



میبدی & ترجمه آیات قرآن

محمد مهیار

بیش از سه قرن از کشف کشف الاسرار میبدی نمی گذرد؛ تا قبل از آن، کسی از وجود چنین تفسیری خبر نداشت؛ پی جویی و توغل دانش مردانی چون مرحومان محیط طباطبایی، علی اصغر حکمت و مجتبی مینوی، گرد و غبار نسیان از چهره این گوهر تابناک معرفت ایرانی - اسلامی برکنار زد و آن را به زیور طبع آراست. در حدود این نیم قرن، تحقیقات دراز دامنی درباره این تفسیر گرانمایه صورت پذیرفته است. دوره کامل تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار به تصحیح مرحوم علی اصغر حکمت، در ده مجلد، بیش از پنج بار به چاپ رسیده است که چاپ اول آن میان سال های ۱۳۳۱-۱۳۳۹ ش منتشر شد. چند گزینه و تحقیق مستقل هم درباره این اثر، تألیف شده و ده ها مقاله ارزشمند و به همان میزان رساله و پایان نامه دانشگاهی پیرامون جنبه های مختلف کشف الاسرار صورت گرفته است. کنگره بزرگداشت ابوالفضل رشیدالدین میبدی، مؤلف این تفسیر وزین نیز در سال ۱۳۷۴ ش در یزد - زادگاه مؤلف - برگزار شد که از همایش های پربار و پرخیر و برکت بود، و جمعی از ارباب فضل و ادب، مقالاتی درباره ویژگی های مختلف تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار و زندگی مؤلف و مأخذکار او ارائه دادند. حاصل این همایش، انتشار چند مجلد کتاب بود که از آن جمله کتابشناسی ابوالفضل رشیدالدین میبدی و نیز مجموعه مقالاتی درباره تفسیر کشف الاسرار بود که به مشتاقان فرهنگ و ادب ایران زمین هدیه شد.

امروز دیگر، برخلاف سه ربع قرن پیش، این تفسیر شیرین و خواندنی را همه می شناسیم و از دقایق آن بهره می بریم، و تمام این مواهب را مدیون بزرگانی هستیم که چندین سال از عمر پربار و ثمربخش خود را وقف شناساندن این در شاهوار نمودند. یادشان به خیر باد!

در سال ۳۹۶ هجری قمری، کودکی در هرات چشم به دنیا گشود که پدرش وی را عبدالله نام

نهاد. عبدالله چهار ساله بود که به مکتب رفت و نه سالگی از استادان معروف استماع حدیث کرد و چهارده ساله بود که در مجالس ارباب فضل در شهر هرات حاضر می شد و نکته ها می آموخت. او در سال ۴۲۲ هجری قمری در ۲۶ سالگی، حدیث و فقه و تفسیر فراگرفت و چندی نگذشت که لقب شیخ الاسلام شهر، از سوی خلیفه به وی اطلاق شد و رفته رفته آماده می شد که در تمام خراسان بزرگ و ماوراءالنهر به پیر هرات شهرت یابد، اما عبدالله کسی نبود که لقب شیخ الاسلامی و یا پیر هرات، بتواند نظرش را از معشوق به سوی دیگر بگرداند. سرانجام خواجه عبدالله انصاری در اوج شهرت در سال ۴۸۱ هجری قمری در سن ۸۵ سالگی وفات یافت. پیر هرات به عنوان یکی از بزرگ ترین عارفان شیفته عرفان اسلامی برای همیشه در دل و جان ایرانیان باقی ماند و مناجات هایش همپای «امثال سایر»؛ ورد زبان مردم کوچه و بازار شد. از پیر هرات آثار پرشماری به جای مانده است که غالباً به مذاق اهل عرفان سازگار است و همگی نشانه درک عمیق و عشق پرشور وی به حق و حقیقت است. یکی از این آثار گرانبها که همچون مرواریدی یکتا در دریای حوادث و طوفان هجوم های بیگانگان به تاراج نیستی رفته است و ما از دیدارش محروم مانده ایم، تفسیر قرآن خواجه عبدالله انصاری است که تاکنون هیچ نشانه ای از آن به دست نیامده است.

اما از قضای روزگار، ابوالفضل رشیدالدین میبیدی که در قرن ششم در هرات اقامت داشته، این تفسیر را مشاهده کرده و چون آن را بسیار پرازش یافته است، بر آن می شود تا آن را شرح و گسترش دهد، وی در سال ۵۲۰ هجری قمری سنگ بنای سترگی را می گذارد که طرح اولیه آن همان تفسیر خواجه هرات بوده است.

ابوالفضل رشیدالدین میبیدی را به درستی نمی شناسیم و از چند و چون زندگی و فراز و فرود عمرش و اینکه چگونه از میبد یزد به هرات آمده اطلاع دقیق و درستی در دست نداریم، آنچه می دانیم از لابه لای متون همین کتاب کشف الاسرار و بعضی از آثار موجود او است؛ مثلاً این که وی شافعی مذهب بوده و در اصول کلام به طریق اشاعره سلوک می کرده و بینش عرفانی وی تا حدی به خواجه عبدالله انصاری نزدیک بوده است. اگر چه در طریق فقهی پیر هرات، مذهب حنبلی را در نهایت اختیار کرده بوده است؛ اما این اختلاف در مذهب اختلاف در عرفان را به همراه نداشته. میبیدی آثار دیگری هم داشته است که از اهمیت چندانی برخوردار نیست. باری، میبیدی تفسیر خود را به ۳ مرحله یا نوبت گفته است: در نوبت اول صرفاً به ترجمه آیات پرداخته است، البته قواعد ترجمه و خصوصاً ترجمه کلام وحی و آن هم به دست شخصی از اهل سنت که قرآن را قدیم می داند، مانع از آن می آید که سیمای فقهی و کلامی و عرفانی مترجم بتواند از

خلال آن جلوه کند، اما ترجمه استادانه و روان و روشمند وی نشان از آن دارد که وی در زبان فارسی و تسلط بر حوزه واژگان عصر خود سرآمد بوده است، لذا در نوبت اول تفسیر خود از عهده ترجمه آیات به خوبی درآمده است. امید است تحقیقی که جناب علی رواقی درباره این بخش از تفسیر میبیدی انجام داده و در شرف انتشار است، هر چه زودتر به دست مشتاقان فرهنگ و ادب فارسی برسد.

فواید فراوانی در نوبت اول این تفسیر نهفته است و متأسفانه تاکنون کم تر بدان پرداخته اند، پژوهندگان هر چه تاکنون درباره کشف الاسرار مطلب نوشته و تحقیق کرده اند، همه مربوط به نوبت سوم تفسیر میبیدی می شود که در ادامه در این باره خواهیم نوشت؛ به هر جهت، یکی از این فواید، دسترسی به گنجینه واژگان حوزه شرق ایران در قرن ششم است و دیگر بر ساخته هایی است برای واژگان قرآنی.

از این رو، باید درباره نوبت اول این تفسیر، تحقیقات مفصل زبان شناسی و آواشناسی و گویشی صورت پذیرد. برای مزید اطلاع خوانندگان ترجمه پنج آیه از آغاز سوره بقره را در این جا نقل می کنیم:

به نام خداوند فراخ بخشایش مهربان؛ این آن نامه است که در آن شک نیست به راه نمونی پرهیزگاران را به ایشان که به نادیده و پوشیده می گروند و نماز به پای می دارند به هنگام خویش؛ و از آنچه ایشان را روزی دادیم هزینه می کنند؛ و ایشان که می گروند به آنچه فرو فرستاده آمد برتر از قرآن؛ و جز زان هر چه بود از پیغام و فرمان؛ و هرچه فرو فرستاده آمد پیش از تو از سخنی و کتب و صحف؛ و به سرای آن جهانی بی گمان می گردند ایشان که بدین صفت اند بر راه نمونی و نشان راست اند از خداوند ایشان به و ایشان اند: که بر پیروزی و نیکی بمانند جاودان.

چنانچه مقایسه ای اندک میان ترجمه میبیدی از آیات قرآن با ترجمه های دیگر مترجمان در عصر وی انجام دهیم، به راحتی در می یابیم که وی نظری به ترجمه های پیش از خود مثل ترجمه تفسیر طبری داشته و شاید گاه گاهی تحت تأثیر آنها قرار گرفته است اما نه به گونه ای که روش خود را از دست داده باشد و تبعیت صرف کرده باشد. و اما در نوبت دوم تفسیر که در واقع تفسیر قرآن کریم بر مبنای نظر فقها و اهل لغت است و کم تر به مشرب عرفانی نزدیک می شود، ابتدا آیات را برمی شمارد، هم به عدد کوفیان و هم به اعداد دیگران، سپس شمار کلمات و حروف را بیان می کند که فی المثل فلان سوره چند هزار کلمه و چندین هزار حرف دارد، آن گاه به بیان قرائت قرآن و ذکر قاریان می پردازد؛ سپس محل نزول سور و آیات را همراه با شأن نزول آنها نشان

می دهد و بعد به بیان وجود معانی کلمات اشاره می کند و به شرح روایت و «خبر» می پردازد. در اینجا برای مزید اطلاع، تفسیر نوبت دوم آیه «ان الذین کفروا سواء علیهم أأنذرتهم ام لم تنذرهم» (بقره، ۶/۲) از جلد اول تفسیر کشف الاسرار را می آوریم.

حقیقت کفر در لغت عرب بیوشیدن است و بیگانه را به آن کافر گویند که نعمت های خداوند عزوجل بر خود بیوشد. و نعمت های الله سه قسم است: یکی نعمت بیرونی چون مال و جاه، و دیگر نعمت بدنی چون صحت و قوت، سه دیگر نعمت نفسی چون عقل، و نعمتی نفسی تمام تر است و عظیم تر، فیها يتوصل الى الطاعات والخیرات و استحقاق الثواب، و بر حسب این تقسیم، شکر و کفر نهادند. پس کفر عظیم آن است که مقابل نعمت نفسی است، و کافر مطلق به روی افتد که نعمت نفسی را کفران آرد که حاصل وی به جحود و جدائیت و نبوت و شرایع باز می گردد، و این آیت هر چند که از روی ظاهر لفظ عام است اما معنی و مراد به آن خاص است که نه همگان کافران را حکم ازلی در شقاوت ایشان سابق بود و از انذار رسول خدا بی فایده ماندند که بعد از نزول این آیت، بسی کافران مسلمان گشتند و به انذار رسول منتفع شدند. پس معلوم گشت که این آیت، قومی مخصوص را فرود آمد. ضحاک گفت ابوجهل بود و پنج کس از اهل بیت وی. ابن عباس گفت قومی جهودان بودند که در عهد مصطفی (ص) در نواحی مدینه مقام داشتند و پس از آن که به نبوت مصطفی معرفت داشتند؛ به وی کافر شدند، ربیع انس گفت مشرکان عرب بودند که روز بدر همه کشته شدند، به دست مسلمانان؛ و در شأن ایشان این آیت آمده بود که «الم تر الى الذین بدلوا نعمة الله کفراً» ثم قال «سواء علیهم» ای متساویاً عندهم الانذار و ترکه.

خدای را عزوجل صفت انذار گویند که جای دیگر گفت... و معنی انذار مرکب است از دو صفت که خداوند قدیم جل جلاله به هر دو صفت موصوف است: یکی اعلام و دیگر تخویف، سواء لفظ واحد آن است و سواسیه جمع آن، و هو جمع علی المعنی دون اللفظ. «انذرتهم» به مدد تلین همزه ثانی، قرائت ابوعمر و نافع و ابن کثیر است و لغت اهل حجاز است و به تحقیق، همزتین بی مد، قرائت باقی و اختلاف قراآت از اختلاف لغات عرب است و به معنی، همه یکسان، و ظاهر کلمه استخبار است اما به معنی اخبار است.

آنچه در بالا ملاحظه شد، بحثی است فنی که صرفاً فایده آن شامل حال علما و فقها و متکلمین و مفسرین می شده است و عمدتاً به کار عامه مردم نمی آمده است و از سویی عرفا هم

با این دست مسائل چندان نزدیک نبوده اند و نسبت به آن استقبالی از خود نشان نمی دادند، و بخش عمده این تفسیر ده جلدی که در حدود هفت هزار صفحه و صد و چهل و هفت هزار سطر تدوین شده است، همین تفسیر نوبت دوم و سوم آن است. اگر میدی تفسیر خود را به همین دو نوبت خاتمه می داد و به نوبت سوم نمی پرداخت، می توانستیم بگوییم که کشف الاسرار، تفسیری است از قرآن کریم به مذاق اخباریان و مستقلاً از میدی است و هیچ تحت تأثیر قرآن پیر هرات قرار نگرفته است؛ اما در آن صورت دیگر جاذبه کنونی را نداشت و عنایتی که ارباب فضل به این تفسیر گران سنگ دارند، در آن صورت نمی داشتند.

نوبت سوم تفسیر کشف الاسرار میدی از جهات پرشماری قابل توجه است، می دانیم که نوبت سوم این تفسیر، در واقع تفسیر عرفانی قرآن کریم و کلاً با نوبت اول و دوم متفاوت است. با تعمق بیشتر در این فصل به درک آوای عرفانی ابوالفضل میدی و تفاوت نظرات عرفانی وی با خواجه عبدالله انصاری پی می بریم و از سویی اگر سرنخی از آرای خواجه عبدالله انصاری در این تفسیر پیدا شود، همانا در همین بخش است.

از مقایسه این نوبت از تفسیر با مناجات های خواجه عبدالله انصاری در مسائل وی، نزدیکی هایی میان آنها ملاحظه می کنیم. همان طور که میدی در مقدمه کشف الاسرار می گوید، تفسیر قرآن پیر هرات، موجز و مختصر بوده است و وی آن را شرح و بسط داده است؛ از سویی نظر به این که مسائل خواجه عبدالله و مناجات های وی ممکن است که یکدست نباشد و دراستاد آنها به پیر هرات تردیدهایی وجود دارد، البته نه در کل آنها؛ از این رو در کهن ترین مأخذی که می توان زلال کلام خواجه هرات را چشید، همین بخش است. از دیگر سو، پهنه وسیع عرفان، جولان اندیشه میدی را به خوبی نمایان کرده است و هنر نویسندگی و ذوق ادبی وی را فرانهاده است. وی در خلال تفسیر، ابیاتی را از شاعران عارف گذشته خصوصاً از سنایی، غزنوی و خواجه عبدالله انصاری برای تأیید سخن خود می آورد؛ در این جا برای نمونه، تفسیر عرفانی نوبت سوم از آیه «لیس البر ان تولوا وجوهکم» (بقره/ ۱۷۷) را نقل می کنیم:

از روی ظاهر در این آیت آنچه شرط شریعت است بشناختی، اکنون از روی باطن به زبان اشارت، آنچه نشان حقیقت است، شناسی که حقیقت مر شریعت را چون جان است مر تن را، تن بی جان چون بود، شریعت بی حقیقت همچنان بود، شریعت بیت الخدم است همه خلق در او جمع، و عمارت آن به خدمت و عبادت، و حقیقت بیت الحرام است، عارفان در او جمع، و عمارت آن به حرمت و مشاهدت، و از خدمت و عبادت تا به حرمت و مشاهدت چندان است که از آشنایی تا دوستداری؛ آشنایی صفت مزدور است

و دوستداری صفت عارف . مزدور همه ابواب بر که در آیت برشمردیم بیارد، آنگه گوید: آه! اگر باد بر آن جهد یا از آن چیزی بکاهد، که آنگاه از مزد باز مانم و عارف آن همه به شرط خویش به تمامی بگذارد، آنگه گوید:

آه! اگر از آن ذره‌ای بماند که آنگه از دولت مانم

به هرچ از راه باز آفتی چه کفر آن حرف و چه ایمان

به هرچ از دوست وامانی چه زشت آن نقش چه زیبا .

مزدور گوید: نماز من، روزه من و زکات من، و صبر من در بلاها و وفای من در عهدها، و عارف گوید، به زبان تذلل:

من که باشم که به تن رخت وفای تو کشم

دیده حمال کنم بار جفای تو کشم

بوی جان آیدم از لب که حدیث تو کنم

شاخ عز رویدم از دل که بلای تو کشم

پیر طریقت گفت: من چه دانستم که مزدور اوست که بهشت باقی او را حظ است، و عارف اوست که در آرزوی یک لحظه است. من چه دانستم که مزدور در آرزوی حور و قصور است، و عارف در بحر عیان غرقه نور است... الهی به بهشت و حورا چه لازم اگر مرا نفس دهی از آن نفس بهشتی سازم.

در این بخش شاهد شیرین کلام پیر هرات و آرایه گوش نواز سجع وی که در غالب مناجات‌ها و دیگر آثارش طنین انداز است، به خوبی چشیده و شنیده می‌شود. از اینجا است که می‌توان یقین حاصل کرد که آن تفسیر موجز پیر هرات در متن ثوبت سوم تفسیر کشف الاسرار محافظت شده و به دست ما رسیده است.